

نگاهی به پیشینه روستایی آباد که روزگاری مرکز تولید آرد موردنیاز مشهد بود

یادی از آسیاب‌های بابرکت «طُرُق»

مرضیه‌قزایی‌اطرق در تاریخ سکونتگاه‌های میان‌دورشته‌کوه هزارمسجد و بینالود، حب آق و گل دارد؛ تاریخی پربار که شاید کمتر بتوان در دیگرآبادی‌ها و مزارع قدیمی این ناحیه مانندش را پیدا کرد. این روستای کهن، یکی ازآبادترین مناطق دشت مشهد بوده‌است ومرغزار زیبای آن، محل اردوی سلاطین و امرا. در سلسله یادداشت‌هایی که تاکنون با هدف معرفی محلات و مناطق هم‌جوار مشهد به رشته تحریر درآورده‌ام، فرصتی پیش نیامده است که از طرق بنویسم. از این پیر دیریای پرتجربه که از پس قرن‌ها تاریخ پرفرازونشیب خود، روایت‌های متعدد ووزنی رادر گنجینه و حافظه تاریخی‌اش حفظ کرده است. طرق در تاریخ خود، با چشمه‌سارهای مصفا و قنات‌های پرآب و آسیاب‌های همیشه چرخان شناخته می‌شود و بازخوانی هر چند مختصر تاریخ آن، بازخوانی بسیاری از شواهد تاریخی مربوط به کل منطقه «بین‌الجبلین» است؛منطقه‌ای که روزگاری مصلاّی مردم‌مشهد را در خود جا داده بود و مؤمنان در عیدین (عید فطر و عید قربان)، به قصد اقامه نماز با پای پیاده و شاید برهنه، فاصله نسبتا طولانی میان باروهای شهر تا مصلی را طی می‌کردند. امروز و در این قسمت از سلسله یادداشت‌هایم درباره پیشینه مناطق و محلات مشهد، می‌خواهم به‌سراغ طرق بروم ودرباره‌اش-هر چند به‌اختصار-بنویسم و آنچه رادر ذهن دارم، پیش روی شما خواننده عزیز بگذارم. امیدوارم که از خواندنش لذت ببرید و عبور از پیچ‌وخم‌های تاریخی، آسیاب انبساط‌خاطر شما را فراهم کند.

- جایگاه تاریخی یک نام

نام طرق در متون تاریخی قدیم به‌صورت «طروغ» یا «تروغ» ضبط شده است و نشان می‌دهد که این اسم، باید معنایی جز «جمع‌طریق یا راه‌ها» داشته باشد؛ یعنی باید آن را نامی ایرانی واصل در خراسان بدانیم؛ نامی که حتی در ایلغار و هجوم مغولان نیز رنگ نباخته و دوام آورده است. احمدبن عمر، مشهور به «نظامی عروضی سمرقندی»، در طرق به ملاقات سلطان سنجر سلجوقی رفته است؛ آن‌هم در سال ۵۱۰ قمری و زمانی‌که فرمانروای سلجوقی، به‌قصد تقابل باهجوم «غراها»، در «چمن‌تروق» اردو زده بوده است. عروضی در کتاب مشهور خود، «چهارمقاله»، به این دیدار اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در سنه عشر و خمسمائه، یادشاه اسلام پناه سنجر بن ملک‌شاه اطال... بقتانه و ادام الی المعالی ارتقاّنه به حد توسی به دشت تروق بهار (بار) داد و دو ماه در آنجا مقام کرد و من ازهری (هرات) بر سبیل انتجاع (برای طلب بخشش و صله) بدان حضرت پیوستم.»

اردوی سنجر در طرق تنها میزبان عروضی سمرقندی در کسوت شاعر و ادیبی صاحب‌نام نبوده؛ امام محمدغزالی مشهور نیز در همین ایام سری به طرق زده‌و از موهبت شاهانه برخوردار شده‌است. نقل است که بعد از بازگشت غزالی به توس، سلطان سنجر آهویی را که درشکارگاه‌های اطراف طرق میدگردوده‌بود، به‌عنوان تحفه نزد وی فرستاد و غزالی هم در جواب، کتاب «تصحیحة الملوک» را تقدیم وی کرد. آن هم در ایامی که مشهد در آتش نزاعی مذهبی می‌سوخت و صدهانفر از ساکنان آن در درگیری با مردم تابران جان باخته بودند؛ نزاعی که نهایتاً اندیشه ایجاد بارو برای شهر مشهد را در ذهن شرف‌الدین ابوطاهر قمی، وزیر شیعی مذهب و خیرخواه سلطان سنجر، می‌اندازد.
باین‌همه، درباره چرایی و چگونگی ناه‌گذاری طرق، چیز زیادی نمی‌دانیم و آنچه گفته می‌شود نیز از حد حدس و گمان فراتر نمی‌رود. برخی معتقدند که «تروق» احتمالا به معنای خوش آب‌وهواست؛ چنان‌که برای منطقه‌ای در غرب مشهد نیز نام «تروق‌بد» را برگزیده‌اند که در آن، واژه «بد»، به معنای دژ مستحکم است و ما امروزه این مکان را با نام «طرقیه» می‌شناسیم.

- دروازه ورود زائران

آلبرت هوتوم شیندلر که در سال ۱۲۶۱ خورشیدی برای اداره معادن فیروزه به خراسان آمد و گذرش به مشهد افتاد، درباره طرق نوشت: «چهارمیل ونیم از اینجا (ته‌سلاّم) رباط طرق واقع است و این رباط از بناهای شاه سلیمان صفوی است. ۱۰۸۰ به اتمام رسیده. نیم‌فرسخ سمت مشرق ده طرق واقع است و این یک ده بسیار بزرگ است. از رباط طرق الی دروازه

ترابی؛ در تاریخ چین، نام «اردوگاه ۷۲۱» همواره با وحشتی عمیق همراه است؛ اردوگاهی که تصویر یکی از ساختمان‌های آن را مشاهده می‌کنید، در منطقه «متنجوری» چین قرار داشت و محل آزمایشی‌های بیولوژیک ژاپنی‌ها سال‌ها ۱۹۲۴ میلادی به بعد بود. مخوف‌ترین زندان مشرق‌زمین وظیفه داشت راه دستیابی به سلاح‌های میکروبی را برای سامورایی‌ها هموار کند؛ اردوگاهی که ابتدا با نام «دایره پیشگیری بیماری‌های اپیدمیک و تصفیه آب ارتش کوانتوئنگ» فعال شد، اما بعدها شاهد مجموعه‌ای از فجیع‌ترین جنایت‌های ضدبشری بود. ژاپنی‌ها ۱۵۰ ساختمان شبیه به هم را در زمینی به مساحت شش کیلومتر مربع ساخته بودند. در این ساختمان‌ها، اثر میکروب‌های بیماری‌زا بر بدن انسان مورد مطالعه قرار می‌گرفت. اسرای چینی، کره‌ای و آسیای جنوب شرقی، موش‌های آزمایشگاهی این مراکز بودند. ریاست این اردوگاه با یک پزشک ژاپنی به نام «شیروایشی» بود. ژاپنی‌ها در مقالات علمی پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، از آزمایش بر روی «میمون‌های متنجوری» سخن می‌گفتند، اما درواقع این میمون‌ها، همان افراد بدبختی بودند که مورد آزمایش‌های میکروبی و شیمیایی قرار می‌گرفتند. پزشکان ژاپنی معتقد بودند مرگ، باعث آغاز روند تجزیه در پیکر انسان می‌شود و به‌همین دلیل، پس از تزریق میکروب در بدن قربانی، پیکر او را «زنده‌شکافی» می‌کردند و

تاریخ جهان

- شهر آسیاب‌ها

در دوره تیموری، طرق یکی از مزارع متعلق به مشهد دانسته می‌شده است. شهاب‌الدین عبدا... خوافی، مشهور به «حافظ ابرو» (درگذشته ۸۳۳ قمری)، در کتاب تاریخ خود، نام طرق را در کنار ۲۲ مزرعه دیگر، به‌عنوان مزارع متعلق به شهر مشهد آورده است. خوشبختانه قرار گرفتن اراضی طرق در زمره اراضی موقوفه، شانس کسب اطلاعات درباره پیشینه آن را به نحو امیدوارکننده‌ای افزایش داده است. این منطقه به دلیل داشتن زمین‌های حاصلخیز و نه‌رهای پرآب، جای مناسبی برای جاری شدن سنت حسنه وقف بوده است. امیرعلیشیر نوایی، وزیر خردمند سلطان حسین باقرای تیموری، یکی از قدیمی‌ترین واقفان شناخته‌شده در منطقه طرق است. نام طاحونه (آسیاب) امیرعلیشیر نوایی در بسیاری از اسناد وقفی طرق به چشم می‌خورد

که دست‌کم از سال ۱۰۱۰قمری و هنگام آزادسازی مشهد از چنگ ازبک‌ها توسط شاه عباس یکم، قابل بررسی است. در سندی متعلق به همین‌سال که با شماره ۲۷۵۱۲ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، صحبت از «طواحین طرق» (آسیاب‌های طرق) به میان آمده و صراحتاً به اسم دو آسیاب اشاره شده است؛ «امیرعلیشیر» و «کلوخ».
بااین‌حال، تعداد آسیاب‌های فعال در طرق بیش از این‌ها بوده و به‌واقع باید این روستای قدیمی را با چنین ظرفیتی، کارخانه تولید آرد منطقه بدانیم. در سندی متعلق به سال ۱۱۴۶قمری (ابتدای عصر نادرشاه) که با شماره ۳۵۳۳۱ در مجموعه اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، صحبت از چهار طاحونه به میان آمده است. ظاهر دار آن زمان، واحد شمارش آسیاب «حجر» یا «سنگ» بوده، در متن سند فوق‌الذکر آمده است: «... همگی و تمامی کل چهار طاحونه واقع در جویبار طرق بدین موجب طاحونه کلوخ دو و حجر طاحونه میرعلیشیر یک حجر طاحونه میرشیخیم یک حجر...»

عبارت مذکور نشان می‌دهد که در بین آسیاب‌های فعال در طرق، ظاهرآسیاب «کلوخ» بزرگ‌تر و فعال‌تر بوده و احتمالاً در بخش پرآب‌تر نه‌ری قرار داشته که از طرق می‌گذشته است؛ بااین‌حال، وضعیت آب همیشه در طرق خوب نبوده و در برخی سال‌ها، خشک‌سالی دامن‌آهالی این روستا و اطراف آن را هم می‌گرفته است. یکی از این خشک‌سالی‌های بزرگ در سال ۱۰۶۹قمری/ ۱۰۳۷ خورشیدی (یعنی حدود ۳۶۶ سال پیش) به‌سراغ طرق آمده. آن‌قدر که سنگ آسیاب‌ها از چرخش افتاده و صدای آسیابان‌ها به شکوه و شکایت از آن وضعیت بلند شده است. دراین‌باره سندی وجود دارد که با شماره ۳۳۲۱۱ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. در متن این سند آمده است: «طاحونه کلوخ و غیره از قرار عریضه آن که عرضه داشت بندگان کمترین آسیابانان اراضی طرق به ذروه عرض می‌رساند که درین سال آب اراضی طرق کم شده طاحونه‌ها بد



سد طرق در سال ۱۴۰۱

قربانگاه مخوف ۲۵هزار انسان



از ابتدای آن‌ها، شکمشان را می‌شکافتند و جنین را بیرون می‌آوردند تا تأثیر میکروب روی بدن جنین را مطالعه کنند. طاعون، وبا، سیاه‌زخم، از جمله موارد مورد علاقه تکسین‌های اردوگاه ۷۲۱ بود. اطلاعات به‌دست‌آمده از این جنایت‌های غیرانسانی، صرف ساختن سلاح‌های مجرمانه‌ای می‌شد که آن‌ها را هم روی شهروندان چینی آزمایش می‌کردند. بیش از ۵۰ هزار نفر، تنها در آزمایش انتشار کک‌های لوده



تصویر قدیمی از بند طرق در دوره قاجار . آب بسیاری از آسیاب‌ها از رودخانه پشت همین بند تأمین می‌شده‌است منبع تصویر: کتابخانه ملی

می‌گردد و خانه خراب می‌شویم. استعدا آنکه خالصا لله... فکری بر احوال این درویشان بکنند.»
در این سند تاریخی بسیار مهم، از آسیاب‌های دیگر طرق هم نام برده شده که جالب‌توجه است؛ به‌عنوان نمونه آسیاب «میردوست» به مدیریت «محمدسعید»، آسیاب «قلندران» با مدیریت «استاد حسین» و آسیاب «قاضی» که نامی از مدیرش به میان نیامده است. در دیگر اسناد هم می‌توان رد و نشانی از نام بقیه آسیاب‌های طرق یافت؛ مثلاً در «طومار علیشاهی» که از مشهورترین اسناد موقوفه‌های آستان قدس رضوی محسوب می‌شود، نامی از طاحونه‌های «میرعلاءالدین»، «سرپل» و «چشمه» به میان آمده که نشان‌دهنده رونق فراوان فعالیت آسیاب‌ها در طرق بوده است.

- شهرک دوره‌های متأخر

طرق در دوره‌های متأخر هم اعتبار خود را حفظ کرده و در عصر ما نیز به‌عنوان روستایی آباد و پرجمعیت شناخته می‌شود. طبق مندرجات «گزارش مکتب شاپوری» که از سال ۱۳۱۲ خورشیدی روستای طرق دارای مدرسه‌ای دو کلاسه با ۳۴ دانش‌آموز بوده که در نوع خود جالب و درخور توجه است، حاجعلی رزم‌آرا در جلد ۹ کتاب «فرهنگ جغرافیای ایران» که در سال ۱۳۲۹ خورشیدی منتشر شده است، درباره طرق توضیحاتی به این شرح ارائه می‌کند: «از دهستان تبادکان بخش حومه مشهد، هفت کیلومتری جنوب مشهد، سر راه شوشه مشهد به نیشابور؛ جلگه؛ معتدل؛ سکنه؛ ۵ هزار و ۵۴۱ نفر. [مذهب: شیعه، [زبان: فارسی».

سکونت بیش از ۵ هزار و ۵۰۰ نفر در یک روستا، طبعاً آن را از حالت روستایی خارج و تبدیل به شهر یا شهرک می‌کند؛ بنابراین، اگر بخواهیم با دقت بیشتری سخن بگوییم، باید طرق را دست‌کم طی یکی دو قرن اخیر، شهری بدانیم که در کرانه‌های شرقی مشهد رشد کرد، باید و نهایتاً به بخشی از کلان‌شهر مذهبی مشهد تبدیل شد.



رباط طرق در سال ۱۴۰۰

به طاعون در شهر «چانگدی» جان باختند. بیش از ۲۵ هزار انسان، در اردوگاه ۷۲۱، مورد آزمایش‌های بیولوژیک و شیمیایی قرار گرفتند و از بین رفتند. برای مطالعه روی درمان یخ‌زدگی، اجزای بدن اسیران زنده را متجمد و سپس آن‌ها را بررسی می‌کردند. برای مطالعه روی درمان سوختگی نیز، از همان روش انجماد استفاده می‌شد. حتی سلاح‌های معمولی، مانند نارنجک هم، در این اردوگاه مورد آزمایش قرار می‌گرفت و تأثیر کشتار آن‌ها را بررسی می‌کردند. گازهای شیمیایی نیز، بخش مهمی از آزمایش‌ها را در بر می‌گرفت؛ ژاپنی‌ها انواع گازهای مؤثر بر اعصاب و پوست را به‌صورت انفرادی و گروهی بر روی اسرا آزمایش می‌کردند؛ بااین‌حال، فرجام جنایت‌کارانی مانند شیروایشی، بیش ازرنج قربانیان وحشیگری ژاپنی‌ها، جان را می‌آزارد. وقتی آمریکایی‌ها بر ژاپن مسلط شدند، او و دستیارانش را بازداشت کردند و قرار شد در ازای انتقال فناوری و یافته‌های تسلیحات بیولوژیک به ایالات متحده، جرمشان نادیده گرفته شود و محاکمه نشوند. سال‌ها بعد، ریچارد دایتون، استاد تاریخ دانشگاه کمبریج، بر اساس اسنادی که در اختیار داشت، فاش کرد که آمریکایی‌ها، شیروایشی را به آزمایشگاه بزرگی در مریلند آمریکا منتقل و از تجربیات هولناکش، استفاده کرده‌اند. ای‌بی سرنجام در سال ۱۹۵۹، بر اثر سرطان حنجره، در توکیو درگذشت و از مجازات این جهان‌گریخت.



۳شنبه
۱۳ آذر ۱۴۰۳
۲۹ دی ماه ۱۴۰۳
شماره ۳۳۷

۱۵



تاریخ و هویت



کوتاه از زندگی و روزگار سید اسماعیل آموزگار

روزهای سیاه و سفید یک روزنامه‌نگار



گروه تاریخ و هویت| شهر مشهد به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی فعالیت‌های مذهبی و انقلابی مردم نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است. روزنامه‌های خطه خراسان مانند مطبوعات تهران و دیگر شهرستان‌ها با چاپ و انتشار آخرین اخبار و وقایع مبارزه‌های مردم مشهد و بقیه شهرهای استان و اطلاعاتیه‌های رهبران انقلاب، وظیفه دشوار اطلاع‌رسانی را در روزهای پرشور و التهاب نیمه دوم سال ۱۳۵۷ خورشیدی برعهده داشته‌اند. با وجود اعلام فضای باز سیاسی برای انتشار آزاد اخبار در مطبوعات کشور از شهریور ۱۳۵۷، دوبار روزنامه‌های کشور به‌علت فشار شدید سانسور اعصاب می‌کنند. روزنامه‌های خراسان نیز به پیروی از روزنامه‌های تهران در دو مقطع زمانی با هدف اعتراض منتشر نمی‌شوند. در روزهای اعتصاب دوم روزنامه‌های خراسان که حدود پنجاه روز به طول می‌انجامد، اتفاقات مهمی در قسمت‌های مختلف شهر مشهد رخ می‌دهد که به‌دلیل تعطیلی مطبوعات اطلاعات چندانی درباره آن روزها وجود ندارد.

سید اسماعیل آموزگار، یکی از روزنامه‌نگاران باسابقه خراسانی، در روزهای اعتصاب دوم مطبوعات، همراه مردم مشهد در مبارزه‌های داخل شهر شرکت داشته و یادداشت‌هایی از رویدادهای آن روزها تهیه کرده است. او که در آن ایام روزنامه‌نگار و مدیرمسئول روزنامه «سیاه و سفید» مشهد بوده است، به یادداشت‌نویسی شخصی از وقایع شهر روی می‌آورد. این یادداشت‌ها از ۱۵ آذر ۱۳۵۷ آغاز می‌شود و تا ۱۲ دی همین سال ادامه پیدا می‌کند. مطالبی همچون قتل یک سرباز مشهدی به دست سرهنگ طباطبایی، راهپیمایی تاسوعای حسینی و اختلال چپ‌ها و چماق‌داران حکومتی در آن گزارش اولین خطبه خوانی غیرحکومتی در شب عاشورا در حرم امام رضا^(ع)، حمله به بیمارستان امام‌رضا^(ع) (شاهرضا)، حمله چماق‌داران از قوچان به مشهد، اعتصاب سرانشرکمری‌های به‌فرمانداری نظامی مشهد، کشتار دوم دی ۱۳۵۷ به دستور فرماندار جدید و تعطیلی شهر، تشییع پیکر شهید مهندس‌نشان، استاد دانشگاه فردوسی، آتش‌سوزی در زندان وکیل‌آباد و عزل سپهد امیرعزیزی، استاندار خراسان، در ۱۲ دی از مهم‌ترین وقایع مشهد در مدت اعتصاب مطبوعات است که آموزگار به‌عنوان تنها روزنامه‌نگار مشهدی آن زمان، بانام مستعار «ابن‌احمد» آن‌ها را ثبت کرده و برای آیندگان به یادگار گذاشته است. دراین شماره روزنامه شهرآرا نگاهی داشته‌ام بر زندگی و فعالیت مطبوعاتی او در سالروز درگذشتش.

- درباره سید اسماعیل آموزگار

سید اسماعیل آموزگار متولد سال ۱۲۹۶ خورشیدی در مشهد فرزند حاج سیداحمد رضوی (متصدی مسجد گوهرشاد) است. او برادر سیدعلیرضا آموزگار، مؤسس روزنامه «آفتاب شرق» و جزو خاندان آموزگار و زادات ارضوی است. سید اسماعیل آموزگار تحصیلات خود را تا دکتری علوم در فرانسه می‌گذراند و مشاغل مختلفی را همراه با نشر مقاله‌ها در نشریات تجربه می‌کند. او که مدتی نیز رئیس اداره فرهنگ طبس است، بعدها در سال ۱۳۲۰ روزنامه سیاه و سفید را منتشر می‌کند؛ روزنامه‌ای که تا سال ۱۳۶۰ منتشر می‌شود. سید اسماعیل آموزگار که قبل از انقلاب مدتی در انجمن روزنامه‌نگاران خراسان و باشگاه لایز نیز عضویت داشته، از طرف داران مصدق و نهضت ملی ایران است و مقاله‌ها و بسیاری را با همین مضامین در روزنامه آفتاب شرق، به‌ویژه در بحبوحه روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به چاپ رسانده است؛ مقاله‌هایی که در حمایت از انقلاب اسلامی و انعکاس اعتراضات مردمی است و در آن‌ها از شیوه حکومت پهلوی‌ها انتقاد کرده است. علاوه بر همه فعالیت‌های مطبوعاتی، سید اسماعیل آموزگار از خادمان حرم امام هشتم^(ع) هم بوده است؛ برای همین هم پس از فوت در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، جنازه‌اش را از تهران به مشهد منتقل می‌کنند و در صحن آزادی حرم مطهر به خاک می‌سپارند.

تنها اثر مشاهده‌شده از سید اسماعیل آموزگار به جز روزنامه سیاه و سفید و مقاله‌های چاپ‌شده در نشریات مختلف، کتابی است با نام «تاریخ مختصر خراسان» که در سال ۱۳۵۲ خورشیدی منتشر شده است. مجید فیاض، مؤسس روزنامه هیرمند در خاطراتش درباره او می‌نویسد: «نوشته‌های اسماعیل آموزگار خواه در سیاه و سفید و خواه در مجلات و نشریات دیگر مثل سخن گفتن او گرّه داشت اما خواندنی بود.»

- روزنامه «سیاه و سفید» آموزگار

روزنامه سیاه و سفید با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، از انتشار بازمی‌ماند اما بار دیگر از سال ۱۳۵۸ تا در پیبهشت ۱۳۶۰، مجدداً منتشر و پس از آن، انتشارش برای همیشه متوقف می‌شود. در دوره دوم، «السلام بعلو و بیای علی» شعار سرلوحه روزنامه است و با تأسی از انقلاب اسلامی، بسیاری از مقاله‌ها به مباحث دینی و تبیین اندیشه‌های اسلامی اختصاص می‌یابد. آموزگار در این دوره از مصدق به‌عنوان ابرمرد تاریخ معاصر یاد می‌کند و سالروز جمهوری اسلامی را تبریک می‌گوید. این نشریه مدرس را مرد دین و سیاست می‌داند و از مسئولان نظام با صفت برادر بهشتی، برادر رفسنجانی و پدر طالقانی نام می‌برد.

دوره دوم روزنامه پس از انتشار شماره ۲۴، در اردیبهشت ۱۳۶۰ به نظر می‌رسد برای همیشه تعطیل شده، زیرا پس از این تاریخ، شماره‌ای از روزنامه در هیچ آرشیوی پیدا نشده است. در صفحه چهار همین شماره آمده است: «بر حسب اضطرار و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و معاذیر منطقی و موجه و معقول شرکت در مراسم سالروز درگذشت برادر عزیزم شادروان حاج سید ابراهیم آموزگار در تهران، احتیاج به استراحت مطلق، به‌تجویز طبیب معالج و احتمالاً اقدام از برای معالجه بیماری که در آغاز کهولت به سراغ هر انسان پایه‌سن گذاشته‌ای می‌آید، ناچار از مسافرت هشتم و بسیار متأسف که در طول مسافرت رابطه من با خوانندگان وفادار قطع و از انجام تعهد اخلاقی بازمی‌مانم. امید که دوستان عذر را بپذیرند و مغفوب بدارند.»

- ویژگی‌های مهم نشریه «سیاه و سفید»

* طرف‌دار مصدق و ملی‌شدن نفت و مخالف حزب توده
* توجه ویژه به اخبار شهر مشهد
* توجه به اخبار و رویدادهای آستان قدس رضوی
* پوشش اخبار مربوط به انتخابات هفدهم مجلس شورای ملی
* تنها روزنامه چاپ مشهد در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
* وابستگی روزنامه به خاندان آموزگار